

نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه: شهر کرمانشاه

عبدالعلی لهسایی زاده^۱

چکیده

هدف: یکی از مسائل اساسی در حوزه علوم اجتماعی و به طور خاص در جامعه‌شناسی بحث میزان خشونت‌های شهری بویژه در حاشیه شهرهاست. عواملی از جمله عوامل روانشناختی، اجتماعی - بیولوژیکی و محیطی در ایجاد این‌گونه خشونت‌ها نقش دارند. از میان فاکتورهای اجتماعی و روانشناختی محرومیت نسبی از جمله متغیرهایی است که اهمیت فراوانی دارد. هدف اصلی این مطالعه، نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه است. چارچوب نظری تحقیق برگرفته از رهیافت تفسیری اجتماعی با تاکید خاص بر نظریه گار است. **روش تحقیق:** این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و از طریق ابزار پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری مورد مطالعه چهار منطقه (جعفرآباد، شاطرآباد، دولت آباد و آناهیتا) در شهر کرمانشاه است. تعداد ۲۰۰ نفر از جامعه آماری به عنوان نمونه و به شیوه تصادفی خوشه ای و با استفاده از جدول لین برای مطالعه انتخاب شدند. از اعتبار سازه برای روایی و آلفای کرونباخ برای پایایی ابزار تحقیق و از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و مقایسه میانگین‌ها برای آزمون فرضیات استفاده شد. مدل تجربی این پژوهش با استفاده از رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر تبیین گردیده است. **یافته‌ها و نتیجه گیری:** محرومیت فردی با خشونت‌های شهری در بعد چشم ($r=0/65$)، در بعد تهاجم ($r=0/46$) و در بعد کینه‌توزی برابر ($r=0/33$) است. از طرفی

محرومیت گروهی با خشونت‌های شهری در بعد خشم ($r=0/21$)، در بعد تهاجم ($r=0/54$) و در بعد کینه توزی برابر ($r=0/28$) است. نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد هراندازه افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین احساس کنند با دیگر هم‌نوعان خود فاصله اجتماعی و اقتصادی بیشتری دارند، احساس نارضایتی در میان آنها بیشتر شده و برای جبران این وضعیت به هر ابزار و وسیله‌ای دست خواهند زد که یکی از راه‌ها خشونت در مناطق حاشیه شهر است.

واژه‌های کلیدی: محرومیت نسبی، خشونت شهری، شهروندان، ناهنجاری.

مقدمه

امروزه یکی از مسائل اجتماعی که ذهن بسیاری از محققان علوم اجتماعی را به خود مشغول نموده، مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن از جمله افزایش جرم و بزهکاری است. رشد لگام‌گسیخته جمعیت شهری با ایجاد و افزایش نابرابری‌ها در بافت شهری، باعث سکونت در حاشیه شهرها و گسترش حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی شده است. حاشیه‌نشینی، کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر نشده‌اند (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰: ۶) و از خدمات شهری استفاده کمتری می‌کنند. خانواده‌های تهی دست و غالباً مهاجر که به تعبیر لویس^۱ در نوعی (فرهنگ فقر) زندگی می‌کنند، به طور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می‌دهند (بیات، ۱۳۸۴: ۱۶۱) و کمتر در محور برنامه‌های حمایتی دولت قرار دارند. در این بخش از شهر، فقر، ویرانی، مسکن نامناسب، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، فقدان آسایش لازم، مسائل بهداشتی، کمبود فضاهای شهری و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل، به وفور یافت می‌شود، که البته به موارد یاد شده باید اوصافی چون عدم امنیت، جرم‌زا بودن و نیز مأمّن و پناهگاه امن برای بزهکاران را نیز اضافه نمود. وجود این شرایط، مناطق حاشیه‌نشین را جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم قرار داده و پتانسیل ارتکاب انواع جرایم را در این مناطق افزایش می‌دهد. رشد روزافزون حاشیه‌نشینی و امکان رابطه آن با جرم، بزهکاری و مشکلات فراوانی

1. Oscar Lewis.

که در دامن خود می‌پروراند، پیگیری‌های جدی در این زمینه را ضروری می‌نماید. از جمله مشکلاتی که امروزه در حاشیه شهرهای بزرگ به وفور به چشم می‌خورد، خشونت‌های شهری است که پیامدهای فراوانی در ابعاد منفی زندگی اجتماعی شهروندان به دنبال دارد. این ناهنجاری‌های شهری از دهه ۱۹۶۰ تا اوایل ۱۹۹۰ در کشورهای مختلف دنیا مانند مناطق شهری آمریکا در قالب مواردی چون دزدی، هجوم‌های ناگهانی خیابانی و شلیک باندهای تبهکاری ظاهر شدند که نسبت به آنچه در شهرهای کوچک یا مناطق روستایی اتفاق می‌افتد، از تنوع بیشتری برخوردار و همچنین بیشتر در دسر ساز (Gottdiener and Leslie, 2005: 181). این مسأله هم اکنون در بسیاری از شهرهای ایران رواج دارد و زندگی شهروندان را در بسیاری از حوزه‌های جمعی مختل نموده است.

قابل ذکر است که خشونت‌های شهری مورد مطالعه در این پژوهش، بیشتر ناشی از فقر فرهنگی است که اسکار لوئیس بیان می‌کند و با خشونت‌های سیاسی در شهرها متفاوت است. از نظر فرهنگی می‌توان گفت که حاشیه‌نشینان دارای منشأ فرهنگی روستایی‌اند. همبستگی شدیدی در کارها دارند و اغلب ارتباطشان را با مکان قبلی حفظ کرده و پایگاهی برای آشنایی خویشان و آشنایان با محیط جدید هستند. این مناطق در حاشیه شهرها برای آسیب‌زایی مساعد بوده و آسیب‌ها در آن در حال گسترش است. این مناطق همچنین دارای خصوصیات فرهنگی دیگری نیز هستند که از آن جمله است: ترس از سازمان‌های شهری به سبب پایین بودن سطح فرهنگ و درآمد و عدم امکان تماس با سازمان‌های شهری و بهره‌مندی از امکانات آن‌ها، علاقه به نیرومندی و خشونت، به این دلیل که خواهان جایی در جامعه شهری برای خود هستند. بنابراین این افراد چون به سرنوشت و شانس به دلیل عدم توانایی در مقابله با سختی‌ها و ناملایمات زندگی، رایج بودن بیکاری و کم‌کاری در بین آن‌ها، رواج نزول خواری به دلیل عدم تأمین درآمد کافی و مراجعه به نزول‌خواران برای گذراندن زندگی، نگرانی از آینده به جهت عدم اطمینان از تداوم درآمدهای روزانه، گوشه‌گیری و در حاشیه زیستن به سبب فقر مادی و فرهنگی آن‌ها اعتقاد دارند، دارای خشونت فراوانی هستند. آنها همچنین دنبال پز دادن و خو‌بزرگ‌بینی نسبت به دیگر افراد

هم محله‌ای خود هستند. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت رفتارهای خشونت‌آمیز در میان حاشیه‌نشینان با این وضعیت ناشی از فعل و انفعالات افراد ساکن در مناطق حاشیه‌ای است که خود نوعی فرهنگ فقر را در میان آنها حاکم نموده است.

در بین حاشیه‌نشینان افراد بزهکار به دلیل نبود نظارت کافی بر این مناطق، به راحتی پنهان شده‌اند و پایگاه امنی برای خود ایجاد کرده‌اند. آسیب‌های اجتماعی مانند رواج پرخاشگری، خشونت‌های شهری، بزهکاری و آدم‌کشی، اعتیاد به مواد مخدر یا پخش و فروش آن، به سرعت در بین آنان گسترش می‌یابد. در جامعه شهری به آنان افراد بی‌فرهنگ گفته می‌شود، در حالی که آنها فرهنگ ویژه خود را دارند. شیب اجتماعی شهرها به واسطه وجود این طبقات تشدید شده است و مردم شهری علاقه‌ای به ارتباط با آنها ندارند و از استقرار آنها در کنار مسکن خود به دلیل سرایت فرهنگ‌شان و از آن مهمتر کاهش قیمت خانه‌ها خود ناراضی‌اند. اکثر جامعه‌شناسان معتقدند که حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها منشأ انواع انحرافات اجتماعی درون کلان‌شهرهاست و کودکانی که در این محیط پرورش می‌یابند در آینده از سطح فکری و فرهنگی کاملاً شهری برخوردار نیستند، زیرا در مناطق و محله‌هایی که عدم تعادل و برابری اجتماعی و فقر مطلق و مسائل بحران‌زا حاکم باشد. نابسامانی و آسیب‌های جدی اجتماعی هم کاملاً به چشم می‌خورد.

این افراد در حاشیه‌ها از نظر اقتصادی و فرهنگی بیشتر در تنگنا هستند. بخش عمده اقتصاد مناطق به اقتصاد این غیررسمی معروف است و مشکلات اقتصادی موجب افزایش نرخ ترک تحصیل شده است. کودکان این مناطق به مشاغل مانند فروختن آدامس و بیسکویت و امثال آنها در پایانه‌ها و ایستگاه‌ها و سرخیابان مشغولند. از نظر فرهنگی این مناطق دارای بافت چند قومی و مهاجر هستند و امکانات فرهنگی مانند فرهنگسراها، پارک، کتابخانه‌های عمومی به ندرت در آن وجود دارد.

اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند که امروزه بسیاری از مسائل اجتماعی خشن مانند گروه‌های بزهکار جوان، افزایش بی‌بندوباری اخلاقی در میان جوانان شهری، انحرافات و جرائم جنسی در میان جوانان طبقات پایین دیده می‌شود و همچنین اعتصاب‌ها، شورش‌ها

و... از رفتارهای نابهنجار و سازماندهی نشده در بین جوانان این مناطق است (شهابی، ۱۳۸۰، ۸۸). رفتارهای خشونت‌آمیز نوعی از اعمال خشونت علیه دیگران است که می‌تواند باعث آسیب یا صدمه به دیگران شود عوامل روانشناختی، اجتماعی - بیولوژیکی و محیطی در ایجاد پرخاشگری نقش دارند. از میان فاکتورهای اجتماعی و روانشناختی، محرومیت نسبی از جمله متغیرهایی است که در این امر اهمیت فراوانی دارد. پرخاشگری بسته به نوع الگوی رفتاری می‌تواند تقسیم‌بندی‌هایی داشته باشد مثلاً حمله فیزیکی علیه خود، علیه اشیاء و دیگران و... بسیاری رفتارها اگرچه ممکن است آسیبی ایجاد نکنند تهاجمی‌اند از جمله خشونت کلامی (Sadock, 2003, 150 - 158). روانشناسان معتقدند که خشونت و پرخاشگری ریشه بسیاری از مشکلات روانی و رفتاری است. این رفتارها در صورت بروز می‌توانند سبب مشکلات بین فردی، جرم و بزه و تجاوز به حقوق دیگران شده و در صورت درون ریز شدن قادر به ایجاد انواع مشکلات جسمی و روانی هستند (عبدالخالقی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

در طول دهه آخر، خشونت‌ها به‌طور چشمگیری در شهر کرمانشاه افزایش یافته است. بالا رفتن درصد زندانیان، بیمه منازل و ماشین‌ها، نصب دزدگیرهای پیشرفته، نصب نرده‌های نوک تیز بر بام دیوار منازل شخصی، عدم توجه شدید رانندگان نسبت به عابران پیاده بخصوص در شب و بی‌اعتنایی شهروندان به یکدیگر بیانگر سرقت اتومبیل، کارت اعتباری، مدارک شناسایی جامعه‌ای ناامن و پر از انحراف و خشونت است. امید بسیار کمی وجود دارد که تعداد این دزدی‌ها در آینده نزدیک کاهش یابد اما مشخص شده است که اغلب ساکنان شهرهای مرکزی، نگران خشونت هستند نه سرقت اموال که در طول چند سال گذشته میزان آن افزایش یافته است.

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که جمعیت جوانان و مردان بیکار و بیهوده از نظر تاریخی بیشترین درصد خلافکاران را تشکیل می‌دهند. عامل دیگر در افزایش خشونت‌های شهری، افزایش میزان استفاده از داروهای روانگردان است. اغلب دزدی‌ها و سرقت‌های شبانه و هجوم و درگیری‌های تصادفی خیابانی به علت مصرف زیاد دارو اتفاق می‌افتند. در واقع

آمارها، ارتباط معناداری بین خشونت وحشیانه و مصرف دارو را نشان می‌دهند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، مصرف کوکائین یک مشکل بزرگ در خیابان‌های شهرهای آمریکا بود. با کاهش استفاده از این دارو و دستگیری بسیاری از تبهکارانی که در تجارت این دارو دست داشتند، میزان خشونت‌های شهر نیز کاهش یافت (Gottdiener and Leslie, 2005: 181). مارتین^۱ (۱۹۲۰) بر این باور است که انسان گاهی بر اثر شدت و کثرت وازدگی‌های عاطفی، زمام خود را رها می‌کند و به کارهای ناسنجیده و از جمله رفتار خشونت‌آمیز می‌پردازد. از نظر دورکیم (۱۳۴۳) پرخاشگری در زمره آن دسته از انحرافات و بزهکاری‌های است که در جامعه جدید نمود و ظهور یافته است (دوناتلا و دیانی ماریو، ۱۳۸۳: ۱۷).

حاشیه‌شهرها مناطقی است که دارای جمعیت زیادی است، خانه‌ها در این منطقه نامناسب است و ساکنانش فقیر بوده و روابط اجتماعی نامناسبی دارند. اگرچه در مورد حاشیه‌نشینی معمولاً تأکید بر خانه‌های نامناسب است زیرا این ویژگی مشهودترین نشانه این مناطق است اما در حاشیه‌نشینی، سرویس‌های عمومی نامناسب، مراکز بهداشتی و آموزشی ضعیف و نادیده گرفتن کلی ساکنانش در جامعه بزرگتر، دیده می‌شود. با این حساب، حاشیه منطقه‌ای است که خانه‌های نامناسب همراه با خدمات عمومی نامناسب، بخش‌های خصوصی نامناسب و اداره‌های تخصصی نامناسب مثل پزشکان و غیره را شامل می‌شود. جمعیت این منطقه همیشه از لحاظ اقتصادی محروم هستند. مشکلات بهداشتی که معمولاً در مناطق پرجمعیت دیده می‌شود هم مربوط به کمبود تغذیه سالم و ارزان است و هم کمک‌های پزشکی‌ای که به این منطقه می‌شود. در تمام کشورهای توسعه یافته، مجموع محله‌های حاشیه‌نشین بیشتر از ۳۰ درصد جمعیت شهری را شامل می‌شود. در بعضی کشورها مثل خاورمیانه و آفریقا، این جمعیت به بالای ۶۰ درصد می‌رسد.

مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی هم در دنیا و هم در ایران، در گذر از دهه ۴۰ به ۵۰ شمسی و دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی اهمیت یافت و دغدغه کارشناسان و مدیران

1. Martin

کشورها شد. بعد از آن سال‌ها، با جریان شورش‌های حاشیه‌نشینان فرانسه، بار دیگر این موضوع مورد توجه دنیا قرار گرفته و در ایران هم توجه به حاشیه‌نشینان و کم کردن فاصله‌ها و درگیر کردن این افراد در مسائل اجتماعی بسیار افزایش یافته است اما با این وجود، در بسیاری از شهرهای ما، این مسائل نادیده گرفته می‌شود. ما عموماً به دلیل حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی، حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ را می‌بینیم و گاهی فکر می‌کنیم که در شهرهای کوچک حاشیه‌نشینی وجود ندارد یا می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد (نقدی، ۱۳۸۸).

در همه جای دنیا حاشیه‌نشینان دو گروهند؛ بخش عمده‌ای از آنها را مهاجران روستاها تشکیل می‌دهند و بخش دیگر، رانده شدگان اجتماعی هستند. در دسته دوم معمولاً کسانی جای می‌گیرند که پیش از این در متن شهر بوده‌اند ولی به دلیل ورشکستگی اقتصادی یا موارد دیگر به این مجموعه رانده می‌شوند. در این زمینه باید در نظر داشت که رفتن به این حاشیه‌ها هم نوعی انتخاب عقلانی تلقی می‌شود، بدین معنی که فرد برای دسترسی به امتیازات شهری و در عین حال صرف هزینه کمتر برای سکونت، این مناطق را برای زندگی انتخاب می‌کند. در پژوهشی که در این زمینه در شهر همدان انجام شده، بیکاری، فرصت‌های شغلی و نیز به عنوان مهم‌ترین علل مهاجرت به این مناطق شناخته شده‌اند (نقدی، ۱۳۸۸).

این مطالعه با تمرکز بر مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه انجام پذیرفت. بیشتر از ۳۵ درصد از جمعیت شهری کرمانشاه در سکونت‌گاه‌های غیررسمی ساکنند. براساس مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته با سازمان‌های مرتبط در شهر کرمانشاه، مناطق و محلاتی چون آناهیتا، شاطرآباد، جعفرآباد و دولت آباد به عنوان مناطقی که بیشترین جرائم خشن شهری در آنها صورت می‌گیرد شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفتند. در این مناطق اکثر مردم به صورت غیرقانونی ساکن شده و غیرقانونی هم خانه‌هایی ساخته‌اند. در شهر کرمانشاه کمبود مسکن برای خانواده‌های شهری که درآمد پایینی دارند همراه با مهاجرت گسترده ساکنان روستایی به شهر باعث شده است که تعداد این ساکنان غیرقانونی افزایش یابد. میزان

مهاجرت‌ها به کرمانشاه خیلی زیاد است و این مسأله به دلیل فراهم کردن خانه یا پناهگاه مناسبی، هم در بخش‌های خصوصی و هم در بخش‌های عمومی است. بنابراین خانواده‌های زیادی به صورت غیرقانونی در این مناطق ساکن می‌شوند. از طرفی هم مشکل ارتباطات و رفتارهای نامناسب خشونت‌آمیز و غیرقانونی مانند استفاده از آب و برق به صورت وصل کابل‌های برق بدون کنتور، لوله کشی پشت کنتورهای آب و همچنین دستکاری و بستن کنتورهای برق، آب و گاز از جمله مواردی است که متأسفانه در مناطق حاشیه‌ای کرمانشاه به شدت دیده می‌شود. قابل ذکر است که در این مناطق مشکلات زیاد بهداشت عمومی، جنایت، فقر فراوان و نداشتن هیچ آینده‌ای برای نسل بعدی نیز مشهود است. این مناطق ویژگی دیگری نیز دارند و آن این است که خیلی از ساکنان آنها به خاطر خانه‌های نامناسب، در مشاغل غیرقانونی فعالیت دارند یا به صورت پاره وقت کار می‌کنند. البته همه خانه‌ها برای خانواده‌هایی که در آنجا زندگی می‌کنند ساخته نشده‌اند. اکثر ساکنان این شهرها در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند. قشر فقیر مردم حاشیه‌نشین به دلیل شرایط سخت زندگی‌شان به دنبال خانه‌های اجاره‌ای با قیمت پایین هستند.

براین اساس در این مطالعه، تلاش بر این است تا از نظر تجربی نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری با تمرکز بر شهر کرمانشاه مورد بررسی قرار گیرد. در واقع سؤال اساسی پژوهش حاضر، این است که آیا محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری اثرگذار است؟

در این راستا اهداف جزئی مطالعه حاضر به صورت زیر ارائه می‌گردد:

- محاسبه نمره میانگین میزان خشونت‌های شهری ابعاد و مؤلفه‌های آن
- محاسبه میانگین میزان محرومیت نسبی ساکنان مناطق حاشیه‌ای و مقایسه آنها با میانگین مورد انتظار

- نشان دادن تأثیر میزان محرومیت نسبی در خشونت شهری

پیشینه پژوهش

مرادی و بخشنده (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی نقش محرومیت اجتماعی در ایجاد رفتارهای پرخاشگرانه میان جوانان شهر شیراز به این نتیجه رسیدند که بین پرخاشگری اجتماعی و متغیرهای محرومیت اجتماعی، تحصیلات و درآمد، رابطه معنا داری وجود دارد (مرادی و بخشنده، ۱۳۹۰).

ربانی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز نوشتند. نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که بیکاری در محل قبلی، شغل نامناسب، عدم دسترسی به امکانات آموزشی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی، عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب، نداشتن زمین، کاهش منابع مالی و عدم توجه به بخش کشاورزی و مکانیزه شدن فعالیت‌های کشاورزی بر ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی تأثیر می‌گذارد.

بیانلو (۱۳۸۵) به بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و بوم‌شناختی با نوع و نرخ جرم و همچنین شناسایی نقاط جرم‌خیز و جرایم خاص هر منطقه از مناطق هشت‌گانه شهر شیراز پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنسیت، تاهل، شغل، ملیت، محل تولد، محل زندگی، ماه‌های دستگیری و حوزه استحفاظی کلاتتری دستگیر کننده مجرم با نوع جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین تراکم جمعیت با متغیرهای نرخ قتل، جعل اسناد، کلاهبرداری، کیف‌قاپی و سرقت‌های عادی رابطه معنا داری وجود دارد.

بیات (۱۳۸۴) پدیده حاشیه‌نشینی را در سیزده شهرستان استان تهران مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد که در بعضی از شهرستان‌ها، تا بیش از ۸۰ درصد جمعیت را مهاجران تشکیل می‌دهند. در بررسی‌های به‌عمل‌آمده ساکنان این مناطق از میزان بالای جرایم و آسیب‌های اجتماعی منطقه خود شکایت داشته و ناراضی بودند. در این خصوص بیش از ۷۶ درصد اهالی، میزان خرید و فروش مواد مخدر را در منطقه خود بالا توصیف کرده‌اند.

کرامتی (۱۳۸۴) در "بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان شهرستان‌های استان تهران"، ۸۰ درصد مشکلات مناطق حاشیه‌ای را، خدماتی می‌داند که به دستگاه‌های دولتی (غیر از نیروی انتظامی) مربوط می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت شهروندان حاشیه شهرستان‌های استان تهران، بیش از شهروندان تهران بزرگ است. همچنین سطح سواد و تحصیلات نیز در میزان احساس ناامنی نقش دارند، به گونه‌ای که بیشترین میزان احساس ناامنی مربوط به افرادی با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر است.

محسنی تبریزی (۱۳۷۴) در تحقیقی با عنوان بررسی علل وندالیسم در تهران و پیشگیری و درمان آن، با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه بر روی ۱۹۲ نمونه از نوجوانان و جوانان بزهکار در دارالتادیب، مراکز بازپروری، زندانها و کانونهای اصلاح و تربیت شهر تهران پرداخت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین سن، جنس، تحصیلات، شغل و تحصیلات والدین با گرایش به رفتارهای وندالیسم ارتباط معناداری وجود دارد.

لیا و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی که پیرامون مصرف الکل و بزهکاری بر روی ۹۵۵ نفر از دانش‌آموزان سه منطقه از کشور کره جنوبی انجام داده‌اند، به تأثیر نقش همسالان در ارتکاب بزهکاری اشاره می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افراد با مصرف الکل سعی در جلب توجه همسالان خود را دارند و مصرف الکل و بزهکاری رابطه مثبتی با خطرپذیری و رفتارهای خطرآفرین افراد دارند (Lee et al, 2006). همچنین مطالعاتی در زمینه پرخاشگری حسی (Micheal, 1983: 883-886) و تهاجم و پرخاشگری تهاجمی (Carlsmith, 1979: 337-344) انجام شده است.

تاوانچی^۱ و همکارانش (۲۰۰۵) پژوهشی درباره سوءاستفاده از کودکان مهاجر و خطرات آن برای سلامت روانی آنها در منطقه حاشیه‌نشین پاتومدانی^۲ بانکوک تایلند انجام داده‌اند، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر بچه‌های مورد آزمایش مورد سوء استفاده قرار

1 . Tawanchai.

2 .Pathumthani.

می‌گیرند. سابقه سوء استفاده زیاد بوده و همبستگی مستقلی با اختلالات روانی عمومی و استفاده جسمی داشته است. ۴۳ درصد کودکان مهاجران مناطق روستایی، بیشتر مستقل بوده، بالای ۱۵ سال سن داشته و برای جستجوی کار به بانکوک مهاجرت کرده بودند. از دیگر نتایج تحقیق، همبستگی مستقل مهاجرت تنها در میان مردان با مسایل روانی است.

بتنا و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود با عنوان "نقش جنسیت در ایجاد رفتار مجرمانه" نشان می‌دهند که میزان تخلف و بویژه خشونت در میان پسران بیشتر از دختران است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی در توسعه درک اجتماعی، ممکن است به توضیح تفاوت‌های جنسیتی در جرم و خشونت کمک کند. همچنین یکی از دلایلی که دختران تخلف کمتری دارند این است که آن‌ها مهارت‌های ادراکی اجتماعی را در زندگی، زودتر از پسران به دست می‌آورند و مهارت‌های اجتماعی‌گری را بهتر یاد می‌گیرند (Bennetta et al, 2005:263-288).

مطالعات انجام شده می‌توانند در گزینش متغیرهای اصلی پژوهش ما را یاری نمایند و هرکدام تلاشی خردمندانه برای راهنمایی هستند، اما با این وجود هیچکدام به صورت مستقیم به بیان رابطه و اثر محرومیت نسبی در خشونت، آن هم در میان حاشیه نشینان شهری نپرداخته‌اند. این مطالعه سعی دارد این رابطه را به وضوح و با استفاده از مؤلفه‌های اساسی آن مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری تحقیق

تئوری کنترل اجتماعی: اساس این نظریه بر حول این محور است که انسان، موجودی است که دارای امیال سیری ناپذیر و نامتناهی است و از این منظر به دیدگاه دورکیم و هابز نزدیک است. موضوع مورد نظر این تئوری این است که چه عواملی باعث محدود شدن رفتار می‌گردد یا به عبارت دیگر به جای اینکه بپرسیم چرا کجروی واقع شده است باید سؤال کنیم که چرا همه مردم هنجارشکنی نمی‌کنند (ممتاز: ۱۳۸۱: ۱۲۰). یکی از

صاحب‌نظران این نوع تبیین از کجرفتاری هیرشی^۱ است. هیرشی در تئوری خود مفهوم پیوند اجتماعی را مطرح می‌کند و بر این عقیده است که انحراف زمانی حادث می‌شود که پیوند فرد با محیط اطراف و جامعه ضعیف شده یا از هم گسیخته باشد. در تئوری هیرشی پیوند فرد با جامعه است که مهمترین متغیر در هم‌نوا بودن یا هم‌نوا بودن فرد است. بر این اساس گروهی که اعضای آن با هم انسجام و همبستگی قوی‌تری داشته باشند بهتر قادر به اعمال کنترل و نظارت اجتماعی بر روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین آنها انسجام استواری وجود نداشته باشد. هیرشی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند یا به طور کلی از بین بروند. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی دلبستگی^۲، تعهد^۳، مشارکت و درگیری^۴ و باور و اعتقاد^۵ خلاصه می‌کند (Hirschi, 1979:34-38). هیرشی اثرات وابستگی به پدر و مادر، مدرسه و همسالان را بر اعمال بزهکارانه تحلیل کرده و معتقد است که صرف‌نظر از نژاد یا طبقه، پسرانی که وابستگی نزدیک‌تری به پدر و مادر خود دارند، احتمال کمتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه ارتكابی را گزارش دهند یا مرتکب شوند تا آنهایی که وابستگی کمتری دارد. او همچنین دریافت که احتمال جوانان بزهکار بیش از دیگران است که در مدرسه نمره پایین بیاورند، علاقه کمتری به عقاید معلمان داشته باشند، از مدرسه متنفر باشند و اقتدار مدرسه را نپذیرند (Vold, 2001:28).

نظریه‌های خرده فرهنگی: نظریه‌های خرده فرهنگی به موضوع رفتار بزهکارانه در میان جوانان طبقات پایین جامعه بر حسب ویژگی‌های خرده فرهنگی آنان مانند ارزشها، زبان و اسلوب‌های زندگی پرداخته‌اند. به‌علاوه این نظریه‌ها بزهکاری جوانان را از جرم متمایز دانسته و بر این باورند که رفتار بزهکارانه به وسیله افرادی رخ می‌دهد که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. به اعتقاد نظریه پردازان خرده فرهنگی، رفتار بزهکارانه به وسیله دار و

-
1. Hirschi, T.
 2. attachment
 - 3 - commitment
 - 4- involvement
 - 5 - belief

دسته‌های بزهکار معمولاً در اجتماعات خرده‌فرهنگی طبقات پایین جامعه شکل گرفته و به اجرا درمی‌آید (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۲). کوهن با بررسی پسران بزهکار، نظریه خرده‌فرهنگی را با تفکیک رفتار انحرافی جوانان از انحراف اجتماعی بزرگسالان و تأکید بر بزهکاری پسران طبقات پایین تدوین کرد. به اعتقاد کوهن خرده‌فرهنگ بزهکار، پاسخ دسته‌جمعی افرادی است که در ساختار اجتماعی موقعیت یکسانی داشته و برای کسب موقعیت‌های اجتماعی بالا و مزایای مادی که به تبع این موقعیت حاصل می‌شود احساس ناتوانی می‌کنند و انتخاب خرده‌فرهنگ بزهکار به‌طور دسته‌جمعی راه‌حلی است برای کسب موقعیت اجتماعی فرد بر اساس معیارهایی که از طرف آنان پذیرفته شده و انجام آنها برای شان امکان پذیر است. کوهن ویژگی‌های جوانان بزهکار را به شرح زیر بیان کرده است: ۱. بزهکاری بدون انگیزه مادی، برای مثال: دزدی کالا صرفاً به منظور تخریب آن. ۲. کینه جویی، بدخواهی یا سوء نیت، خرابکاری، بی‌انضباطی ۳. منفی‌بافی ۴. لذت‌گرایی کوتاه مدت با ورود به دار و دسته‌های بزهکار ۵. تغییر پذیری ۶. خود مختاری و استقلال گروهی (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۴-۷۲).

نظریه بوم شناختی: نظریه بوم‌شناختی در مکتب شیکاگو^۱ را جامعه‌شناسانی چون پارک^۲ و برجس^۳ که در زمینه جامعه‌شناسی شهری مطالعه می‌کردند، مطرح کردند. آنان در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت، مانند: زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونتگاهی و تراکم جمعیت تمرکز کردند. از آغاز قرن بیستم جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو بعضی از رفتارهای انحرافی نظیر خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو با هدف درک تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن، بعد خانوار، تراکم جمعیت و مهاجرت و عوامل بوم‌شناختی مانند قومیت، نژاد و محل سکونت بر جرم و بزهکاری و بی‌سازمانی اجتماعی تأکید نمودند (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۵). نظریه‌پردازان دیدگاه بوم‌شناسی استدلال می‌کنند که اندازه جمعیت، تراکم اجتماعی و سکونت و

1. Chicago School.

2. Park

3. Burgess

ناهماهنگی اجتماعی در ارتباط با زندگی شهری به تخریب حمایت‌های اجتماعی و روابط نزدیک و جایگزین آنها با مکانیزم‌های رسمی کنترل رسمی و غیرشخصی و سازمان‌های بوروکراتیک منجر می‌شود. بر اساس دیدگاه بوم‌شناختی زندگی در نواحی کلان‌شهرها، به بی‌برنامگی، آشفتگی، آنومی و خصایصی چون ضعف پیوندهای اجتماعی و از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی منجر می‌شود. زندگی در چنین محیط‌هایی به فشارهای فیزیکی و روانی برای مهاجران منجر می‌شود، به طوری که به آنها احساس از خود بیگانگی و جدایی دست می‌دهد. بنابراین در صورتی که این مدل اتفاق بیفتد، مهاجران در محیط‌های شهری به طور قابل توجهی با چالش‌هایی در حفظ سلامت روانی و فیزیکی مواجه می‌شوند به طوری که نظام حمایت اجتماعی برای آنها ضعیف می‌شود (Schwirian, 1993:287).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی: این نظریه تعبیر جدیدی از چشم‌انداز کارکردی است که به نظریه بی‌سازمانی اجتماعی معروف گشته است. از دیدگاه این نظریه، جامعه به واسطه مجموعه‌ای از انتظارات یا نقش‌ها سازمان یافته است و بی‌سازمانی اجتماعی، زمانی پدید می‌آید که آن انتظارات برآورده نشوند و به سه شیوه عمده نمود می‌یابد:

۱- بی‌هنجاری: زمانی ظاهر می‌شود که افراد، فاقد قواعدی‌اند که نحوه رفتارشان را مشخص کند.

۲- تضاد فرهنگی: زمانی رخ می‌دهد که افراد احساس کنند که گرفتار قواعد متضاد هستند.

۳- درهم ریختگی: زمانی اتفاق می‌افتد که اطاعت از یک مجموعه قاعده پاداش نیابد یا در واقع موجب مجازات شود. دگرگونی اجتماعی سریع، هنگامی که الگوهای سنتی رفتار را بدون فراهم آوردن الگوهای جدید، متروک می‌سازد، ممکن است سبب ایجاد ناهنجاری گردد. تضاد فرهنگی، زمانی ظاهر می‌شود که فرزندان مهاجران احساس کنند میان انتظارات والدینشان و انتظارات جامعه جدیدشان گرفتار شده‌اند. فشاری که قربانیان بی‌سازمانی اجتماعی به خود می‌بینند، ممکن است به نوعی بی‌سازمانی شخصیتی همچون جنایت یا اعتیاد بینجامد. اما نظام اجتماعی، به مثابه یک کل نیز فشار بی‌سازمانی را احساس

می‌کند و ممکن است با تغییر قواعد، حفظ قواعد متناقض یا فروپاشی بدان پاسخ گوید. بی‌سازمانی در صورت کنترل شدید یا علاج علت‌هایش، می‌تواند متوقف یا معکوس شود (کورنبلوم، ۱۳۸۰).

حاشیه‌نشینی و نظریه محرومیت نسبی: مفهوم محرومیت نسبی را اولین بار در دهه ۱۹۴۰، نویسندگان کتاب «سرباز امریکایی» به کار بردند. آنها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده می‌کنند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خویش باید داشته باشد. معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است (گر، ۱۳۷۷ : ۵۴). «هولندر» معتقد است که این محرومیت زمانی اتفاق می‌افتد که مردم: به چیزی میل کنند که آنان را ندارند. خود را مستحق به دست آوردن آن بدانند و به خاطر ناتوانی در تملک آن، خود را مقصّر ندانند (هولندر، ۱۳۷۸ : ۳۸۳).

از نظر رابرت گار محرومیت نسبی زمانی به وجود می‌آید که فردی چیزی را مشاهده کند که خودش ندارد اما دیگری دارد و آن فرد مایل است که آن چیز را داشته باشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۷ : ۴۴) و در تعریف مفهومی، محرومیت نسبی عبارت است از اختلاف منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت (گار، ۱۳۷۷ : ۵۴). از نظر گار هرچه امکانات پیشرفت و ارتقاء در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (یعنی در گروه‌هایی که انسان خود را با آنها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات انسان‌ها بیشتر می‌شود و یک نوع احساس بی‌عدالتی نسبی به وجود می‌آید. در ضمن هرچه امکان دستیابی به ارزش‌های مورد نظر یا ارتقاء اجتماعی کمتر باشد، محرومیت نسبی نیز افزایش پیدا می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷ : ۴۵). بنابراین شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین به صورتی است که سبب به وجود آمدن شرایط فرهنگی خاصی برای حاشیه‌نشین‌ها می‌شود، به طوری که از یک سو فقر فرهنگی و مشکلات مالی و از سوی دیگر دیدن زندگی شهرنشینان که از امکانات امروزی بهره‌مندند، سبب ایجاد نارضایتی عمیق و گسترش محرومیت نسبی در

میان این اقشار جامعه می‌شود. این امر گاهی می‌تواند همچون بشکه باروت برای ایجاد آشوب‌های اجتماعی عمل‌کند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸، به نقل از هادی‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۳۵).

لذا اعتقاد به پیشرفت و داشتن یک زندگی بهتر در میان حاشیه‌نشینان و مهاجران روستایی که برای کسب درآمد بیشتر به شهرها روی آورده‌اند، باعث می‌گردد گروه‌های مرجع آنها کسانی باشند که از وضعیت بهتری برخوردار هستند، اما چون شرایط حاکم، امکان دستیابی به چنین موقعیت‌هایی را برای همه فراهم نمی‌کند، احساس محرومیت نسبی در میان گروه‌های فقیرنشین شهری افزایش پیدا کرده و زمینه نارضایتی اجتماعی را در میان آنها به وجود می‌آورد و به تدریج گروه مرجع در میان این گروه تغییر پیدا کرده و به سوی اهدافی که دستیابی به آنها ساده‌تر ولی نامشروع است، سوق پیدا می‌کنند و به تعبیر مرتون تناسب میان ابزار و اهداف از بین می‌رود و این موضوع نخست باعث افزایش میزان محرومیت نسبی و سپس باعث گسترش رفتارهای ناهنجار اجتماعی در میان این قشر از جامعه می‌گردد و این مسأله در نخستین نسل حاشیه‌نشینان کمتر مشاهده می‌شود. اما فرزندان این نسل در محیط شهری پرورش می‌یابند و هدف‌ها و آرزوهای شهری را جذب می‌کنند و برای تحقق آرزوهایشان نخست به فعالیت‌های غیرقانونی و سپس به کنش‌های ناهنجار روی می‌آورند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۴).

نظریه تصمیم‌گیری دسته‌جمعی پل لازارسفلد: به نظر لازارسفلد هدف خاص تجربیات متعدد روانشناسی اجتماعی که بر گروه کوچکی از افراد انجام گرفته، تجزیه و تحلیل تفاوت‌های است که در واکنش‌های افراد وجود دارد. هنگامی که توجه خود را بویژه به کنش متقابل اعضای فلان گروه معطوف می‌نماییم، یا شیوه تشکیل آنها و دست کم، به طور موقت، به سازمان آنها نظر داریم، عموماً این گونه مسایل را با عنوان پویایی گروهی طبقه بندی می‌کنیم. یک گروه کوچک، به هر جهت، مشابه یک جامعه خرد است که گویی مطالعه مسایل جامعه شناختی را به کمک یک میکروسکوپ امکان پذیر می‌سازد.

لازارسفلد پس از تصدیق این رابطه که اشخاصی که بین راه حل محتاطانه و گستاخانه باید یکی را انتخاب کنند هرگاه تصمیم‌گیری صورت دسته‌جمعی داشته باشد، معمولاً راه‌حل گستاخانه‌ای را بر می‌گزیند. وظیفه خود دانسته است که این واقعیت را در پرتو تمامی مطالعاتی که با عنوان پویایی گروهی تا آن زمان منتشر شده بود، تفسیر کند. هنگامی که یک گروه درباره انواع رفتارهای ممکن بحث می‌کند، احتمال زیادی وجود دارد که شخصیت‌های گستاخ به صورت بسیار فعالی در بحث شرکت کنند. از سوی دیگر، برای یک گوینده که می‌خواهد شنونده‌ها را تحت تاثیر قرار دهد، گستاخانه سخن گفتن، آسانتر از سخن گفتن با احتیاط است. بدین ترتیب رفتارهای خشونت‌آمیز و مبتنی بر تخریب و ویرانگری نیز چون سخن گفتن گستاخانه مخاطبان را بیشتر تحت تاثیر قرار می‌دهد.

بادی جندروت (۲۰۰۳) در بحث خشونت‌های شهری این سوال را مطرح می‌کنند که چه ارتباطی بین، بمب‌گذاری اوکلاهاما، تهاجم در خیابان‌های اصلی، آشوب‌های لس‌آنجلس، قتل عام کلمبیا، یا نزاع‌های دینی در کرونهایتس وجود دارد؟ این ارتباط توسط روزنامه‌نگارها و سیاستمدارانی بوجود آمده است که از عبارت‌های یکسان برای خشونت شهری، جنایت شهری، آشتفتگی‌ها، آشوب‌ها، اختلافات، خطر شهری، نزاع، بی‌قانونی، بزهکاری و بسیاری وقایع دیگر استفاده می‌کنند. استفاده از عبارت‌های یکسان همه چیز را یکسان نشان می‌دهد، اما به نظر بادی جندروت نباید واژه‌های یکسانی را درباره ماهیت این موضوعات بکار برد. خشونت در واقع یکی از ویژگی‌های تاریخی شهرهاست، اما اعمال و علت‌ها بسیار متفاوت هستند. او در نقطه نظراتش در فرانسه اعلام کرد وقتی از واژه‌های یکسانی برای این موضوعات استفاده می‌کنیم این طور به نظر می‌رسد که همه وقایع با هم اتفاق می‌افتند در حالی که شواهد روشنی درباره این مغایرت وجود دارد. این موضوع در مورد موقعیت لندن درست است که بادی جندروت معتقد است برخی هنجارهای جهانی در مورد آن صدق می‌کند (Gottdiener and Leslie, 2005: 181).

میزان بالای خشونت مشکل‌ساز است، زیرا بر توانایی مردم در استفاده از فضای شهر اثر می‌گذارد. فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، بازارها و خیابان‌ها یکی از جذابترین

ویژگی‌های زندگی شهری هستند. هنگامی که این فضاها به علت خشونت نمی‌توانند استفاده شوند پس به طور منفی بر جذابیت زندگی اثر می‌گذارند و بنابراین مردمی که امکان دارند به حومه شهر می‌روند. امروزه استفاده از فضای عمومی زیاد در مناطق شهری محدود است. در دهه ۱۹۹۰ یک زن جوان که در خیابان وال کار می‌کرد در عصر به منظور دویدن به پارک مرکزی رفت همواره مردم زیادی از این فضای عمومی به منظورهای خاصی استفاده می‌کردند. در آن روز ویژه یک گروه از جوانان وارد پارک شدند و بی رحمانه به او حمله کردند. او به طور معجزه آسایی زنده ماند، اما این حرفه‌ای شهری یک نماد از خشونت‌هایی بود که در فضای جذاب و مفید عمومی شهر رخ می‌دهند.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این مقاله برگرفته از رهیافت روانشناسی اجتماعی و با تاکید خاص بر نظریه گار مطرح شده است. گار نقطه عزیمت خود را برای تحلیل خشونت‌های مدنی، محرومیت نسبی قرار می‌دهد. وی محرومیت نسبی را درک کنشگر از تفاوت میان توانایی‌های ارزشی^۱ و انتظارات ارزشی^۲ می‌داند. انتظارات ارزشی عبارتند از منافع و شرایطی از زندگی، که مردم خود را در به دست آوردن آن ذی‌حق می‌دانند. اما توانایی‌های ارزشی به محیط اجتماعی و فیزیکی بستگی داشته و عبارت است از ظرفی که بحث مردم را برای به دست آوردن یا حفظ ارزش‌ها معین می‌کند. به بیان دیگر، محرومیت نسبی عبارت است از تفاوت میان انتظارات مشروع و برآورد مدعیان نسبت به احتمال دسترسی به هدف. او برای تبیین رفتار پرخاشگری احتمالی معتقد بود که باید نقطه عزیمت را از عوامل ذهنی و مجموعه فرآیندهای ذهنی که موجبات خشم و قهر را فراهم می‌آورد، شروع کرد. آنگاه این عنصر ذهنی از معبر ساخت‌ها و فرهنگ‌ها و سنن جمعی گذشته و به کنش

1 . Value Capabilities

2 . Value Expectations

جمعی تبدیل می‌شود. گار با رویکردی روانشناسانه به مبحث خشونت جمعی و سیاسی می‌کوشد تا علل بروز خشونت‌ها را تبیین کند (گر، ۱۳۷۷: ۱۶).

گار برای محرومیت نسبی سه الگوی متمایز را معرفی می‌نماید.

- محرومیت نزولی که در آن انتظارات ارزشی یک گروه، نسبتاً ثابت باقی می‌مانند، اما

این تصور وجود دارد که توانایی‌های ارزشی رو به کاهشند (گار، ۱۳۷۷: ۷۹).

- محرومیت ناشی از بلندپروازی یا محرومیت آرزویی در این گونه محرومیت،

توانایی‌های ارزشی به طور نسبی ایستا باقی مانده ولی انتظارات افزایش یافته و تشدید می‌شوند (گار، ۱۳۷۷: ۷۹ و ۸۷-۸۴).

- محرومیت پیش‌رونده^۱: این گونه محرومیت با افزایش شدید انتظارات و کاهش هم

زمان توانایی‌ها همراه است (همان: ۸۰). گر هر سه الگوی محرومیت نسبی را در زمینه‌سازی

خشونت سیاسی مؤثر می‌داند و متذکر می‌گردد که وضعیت ارزشی کل یک جامعه ممکن

است به دلیل کاهش تولید کالاهای مادی، کاهش توانایی نخبگان سیاسی در تأمین نظم یا

حل بحران‌ها، تحمیل حاکمیت خارجی یا از دست دادن ایمان به ساختار باورها و

هنجارهای کنشی که به جامعه انسجام می‌بخشد، سقوط کند (مرادی و بخشنده، ۱۳۹۰: ۲۶).

به نظر گر تنها فرضیه آزمون‌پذیر این خواهد بود که هر چه شدت و گستره محرومیت

نسبی بیشتر باشد حجم خشونت جمعی نیز بیشتر خواهد بود. باور انسان‌ها درباره منابع

محرومیت و توجیه‌پذیری هنجاری و فایده‌انگارانه اقدامات خشونت‌آمیز علیه کارگزاران

نظام سیاسی، انگیزه‌های خشونت سیاسی را مهیا می‌نماید. بسیاری از انسان‌ها نسبت به

رویدادهایی احساس نارضایتی می‌کنند.

هر چند نظریه گار بیشتر بر خشونت‌های سیاسی تمرکز دارد، اما از آنجا که هم بر متغیر

وابسته در این پژوهش (خشونت اجتماعی) و هم متغیر مستقل (محرومیت نسبی) متمرکز

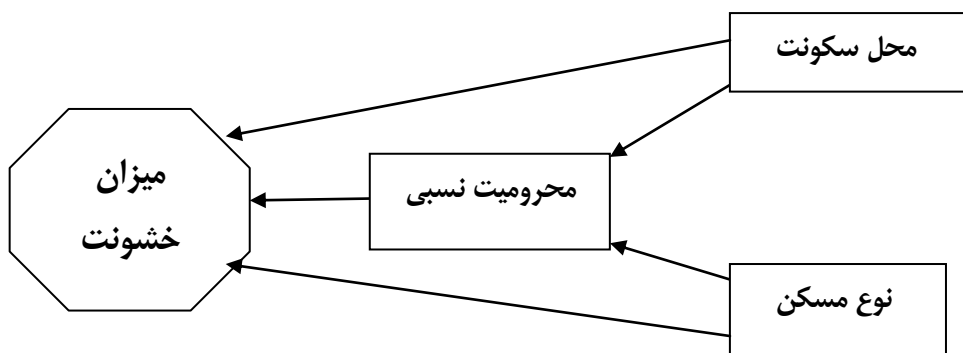
است، لذا بهترین نظریه برای انتخاب چارچوب نظری در این پژوهش است. آنچه در این

مطالعه بر آن تمرکز هست، این است که محرومیت نسبی در میان شهروندان مناطق

حاشیه‌ای را بیشتر ناشی از تضعیف فرهنگی و عوامل اقتصادی می‌داند تا عوامل سیاسی. اما همین که در این ابعاد هم تفاوت میان توانایی‌ها و انتظارات افراد در ابعاد اقتصادی و فرهنگی شدید است، بنابراین این احساس در شهروندان به وجود می‌آید که به خواسته‌ها و نیازهای اقتصادی و فرهنگی خود نرسیده‌اند و در قالب رفتارهای بزهکارانه مانند مواد فروشی، قاچاق، عدم پایبندی به هنجارهای رایج در محله، بی‌تفاوتی به رفتارهای رایج در محیط‌های شهری مانند نگهداری گوسفند و حیوانات در محله‌ها، ساخت مساکن فاقد سند و موارد مشابه باعث شده است که همیشه پای نیروهای نظامی و انتظامی در این محلات باز بوده و مشغول گشت زنی و مراقب امنیت دیگر شهروندان باشند. مجموع موارد بالا باعث می‌شود که آنها اکثر اوقات درگیری‌های قومی قبیله‌ای داشته باشد و وارد نزاع‌های دسته جمعی علیه همدیگر شوند که این مقوله خارج از آنچه که گر آن را خشونت سیاسی می‌نامد، است. از آن جایی که مقوله محرومیت نسبی و همچنین رفتارهای خشن در محیط‌های مختلف، یکسان عمل نمی‌کند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این دو مقوله برای افراد ساکن در مناطق متوسط رو به بالا و بالای شهر شاید بیشتر جنبه سیاسی داشته باشد، اما قطعاً طیف عظیمی از مقوله خشونت‌ها و همچنین محرومیت‌های افراد در مناطق حاشیه نشین، اجتماعی و روانی و یا اقتصادی است. بنابراین نمی‌توان گفت محرومیت نسبی صرفاً به خشونت‌های سیاسی منجر می‌شود، بلکه ابعاد روانی، اقتصادی و اجتماعی این مقوله را نیز در بر می‌گیرد و تاحدی می‌توان گفت که شکل و ماهیت خشونت در مناطق حاشیه نشین ناشی از علت‌های مشابه اقتصادی و فرهنگی است. براساس این مدل، مطالعه حاضر با تمرکز بر نظریه گار خشونت‌های شهری در مناطق حاشیه‌ای را با در نظر گرفتن علت محرومیت نسبی در زمینه اقتصادی، اجتماعی و تا حدی روانی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد.

نمودار زیر روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل تجربی تحقیق نشان می‌دهد.

دهد.



نمودار شماره ۱ مدل تجربی تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین میزان محرومیت نسبی و میزان خشونت شهری رابطه وجود دارد.
- ۲- محل سکونت پاسخگویان بر میزان خشونت شهری تأثیر دارد.
- ۳- نوع مسکن پاسخگویان بر میزان خشونت شهری تأثیر دارد.
- ۴- میزان خشونت‌های شهروندان مناطق حاشیه‌ای بالاتر از سطح متوسط است.
- ۵- میزان محرومیت نسبی شهروندان مناطق حاشیه‌ای بالاتر از سطح متوسط است.

روش شناسی تحقیق

روش مورد استفاده در این مقاله پیمایش است. جمع‌آوری اطلاعات از راه پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه چهار منطقه (جعفرآباد، شاطرآباد، دولت آباد و آناهیتا) در شهر کرمانشاه است. تعداد ۲۰۰ نفر از جامعه آماری به عنوان نمونه به شیوه تصادفی خوشه‌ای و با استفاده از جدول لین^۱ برای مطالعه انتخاب شدند. متغیرهای اصلی در این مقاله محرومیت اجتماعی و رفتارهای خشونت آمیز است.

1. Lins Table

در این پژوهش مراد از مناطق حاشیه‌نشین، عبارت است از مناطقی که دارای شاخص‌ها و ویژگی‌های زیر باشند: واحدهای مسکونی فرسوده با تجهیزات ناقص، ساخته‌شده از مواد و مصالح ساختمانی کم دوام و اولیه، به صورت ناپایدار، نامقاوم، غیر فنی و معمولاً بدون پروانه شهرداری، زیربنای کم خانه‌ها و عدم وجود حریم خصوصی برای فرزندان، فقر اقتصادی مردم، تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتارهای اجتماعی مردم، بی‌اعتنایی به مسائل بهداشتی و درمانی، عدم توجه و بی‌اعتنایی سازمان‌های مسئول به احتیاجات محله، پابندی به هویت قومی و طایفه‌ای، سنتها و ارزشهای اولیه و حفظ خانواده به صورت گسترده. احساس تعلق گروهی، قومی و خویشاوندی بالا. زمینه‌های قومی، زبانی، روستایی و خویشاوندی مشترک، علاقه به نیرومندی و خشونت بخصوص در میان جوانان، بیکاری، کم‌کاری و اشتغال به مشاغل کاذب و تجانس گروهی و همبستگی نسبتاً بالا، به‌ویژه در مواجهه با مسایل مشترک و افراد خارج از اجتماع خود.

خشونت: به آن دسته از اعمال انحرافی اطلاق می‌شود که شدت آن رفتار در حدی است که الزاماً مجازات‌های قانونی و اجتماعی را به همراه ندارد و می‌تواند. در این تحقیق از پرسشنامه ۳۰ سؤالی خشونت برای سنجش رفتار خشونت آمیز استفاده به عمل آمده است. که ۱۴ سؤال آن خشم، ۸ سؤال تهاجم و ۸ سؤال عامل کینه توزی را با استفاده از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت می‌سنجد.

محرومیت نسبی: گار محرومیت نسبی را درک کنشگر از تفاوت میان توانایی‌های ارزشی و انتظارات ارزشی می‌داند. انتظارات ارزشی عبارتند از منافع و شرایطی از زندگی، که مردم خود را در به دست آوردن آن ذی‌حق می‌دانند. اما توانایی‌های ارزشی بستگی به محیط اجتماعی و فیزیکی داشته و عبارت است از ظرفی که بحث مردم را برای کسب یا حفظ ارزش‌ها معین می‌کند. قابل ذکر است که در این پژوهش دو نوع محرومیت نسبی (محرومیت فردی و گروهی) مورد نظر است. در حالت اول به فردی اشاره دارد که به دلیل برخورداری از خوشبختی کمتر نسبت به دیگران محرومیت نسبی را تجربه کرده است و دومی به فردی اشاره دارد که احساس می‌کند گروه آنها صرفنظر از محرومیت فردی،

نسبت به گروه‌های بیرونی دچار محرومیت است. در این پژوهش محرومیت فردی با استفاده از ۸ گویه و محرومیت گروهی نیز با استفاده از ۸ گویه در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجش شده‌اند. در پژوهش حاضر از اعتبار سازه‌ای و صوری و برای به دست آوردن روایی آن از آلفای کرونباخ و برای سنجش متغیرهای اصلی تحقیق یعنی میزان محرومیت نسبی و میزان خشونت شهری از طیف لیکرت استفاده شده است. گویه‌ها از مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر و همچنین مطالعاتی که در داخل کشور انجام شده، اقتباس شده‌اند و پس از تغییرات و سازگار نمودن آنها با وضعیت ایران، گویه‌های مناسب انتخاب شدند.

آلفای کرونباخ برای متغیر وابسته (میزان خشونت) و مستقل با ابعاد آن در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: میزان آلفای کرونباخ برای محرومیت نسبی و میزان خشونت و مؤلفه‌های آنها

میزان آلفای کرونباخ	تعداد گویه	نام متغیرها	
۰/۸۸	۱۶	میزان محرومیت نسبی	
۰/۸۴	۸	محرومیت فردی	مؤلفه‌های محرومیت نسبی
۰/۸۹	۸	محرومیت گروهی	
۰/۷۹	۳۰	میزان خشونت	
۰/۸۱	۱۴	خشتم	مؤلفه‌های خشونت
۰/۷۰	۸	تهاجم	
۰/۷۵	۸	کینه توزی	

جهت ارزیابی اعتبار سازه‌ای میزان خشونت، ضمن استناد به مبانی نظری تحقیق از تحلیل عامل^۱ استفاده شد. ماتریس همبستگی میان گویه‌های متغیر میزان خشونت نشان می‌دهد که گویه‌های این متغیر در سه بعد متمرکز شدند به طوری که گویه‌های موجود در

یک بعد با سایر گویه‌های موجود در آن بعد همبستگی معنادار داشته‌اند، ولی با گویه‌های موجود در ابعاد دیگر این متغیر همبستگی معناداری نداشته و این همبستگی ضعیف بوده است. بررسی دقیق الگوی همبستگی‌ها این واقعیت را به ما نشان می‌دهد که هر مجموعه از گویه‌ها به یک عامل تقلیل یافته‌اند و بر این اساس متغیر رفتار خشونت آمیز در این تحقیق از ۳۰ گویه به ۳ بعد یا شاخص کاهش یافته است. به عبارت دیگر گویه‌ها به صورت خوشه‌هایی گرد هم آمده‌اند، به طوری که گویه‌های هر خوشه با یکدیگر همبستگی دارند و با گویه‌های موجود در خوشه‌های دیگر همبستگی ندارند. آزمون KMO برابر ۰/۸۸ است، بنابراین نیازی به حذف هیچ گویه‌ای از این مجموعه نیست. در کنار این آزمون یکی دیگر از روش‌های آماری نسبتاً متداول که برای بررسی و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عامل به کار می‌رود، آزمون کرویت بارتلت است که بر روی داده‌های نمونه حاضر نیز انجام گرفت. آزمون کرویت بارتلت در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان این معناداری را نشان می‌دهد. جدول شماره ۱ یافته‌های مربوط به انجام کفایت نمونه‌برداری و کرویت بارتلت بر روی داده‌های میزان خشونت را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول شماره ۲ نیز مشاهده می‌شود ضریب بدست آمده در آزمون کفایت نمونه‌برداری، مناسب بودن داده‌ها را برای انجام تحلیل عامل تایید می‌کند. به عبارت دیگر مقدار این ضریب جهت انجام تحلیل عاملی داده‌ها در سطح رضایت بخشی قابل قبول است. همچنین آزمون کفایت کرویت بارتلت در سطح کمتر از ۰/۰۰۰ معنادار است که نشان می‌دهد ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست.

جدول ۲ نتایج آزمون‌های آماری در تحلیل عاملی برای میزان خشونت

KMO=۰/۸۸	آزمون کیزر مایر
B.T=۷۵۴۷/۲۴۵	آزمون بارتلت
d.f=۱۹۷	درجه آزادی
Sig.=۰/۰۰۰	سطح معناداری

با توجه به اینکه در تحلیل عامل الگوی همبستگی‌های موجود میان گویه‌ها با استفاده از ضرایب KMO معنادار است، پس در این مرحله به تعیین تعداد عامل‌ها می‌پردازیم. آماره ای که این کار را برای ما انجام می‌دهد "مقدار ویژه" است. جدول شماره ۳ آماره‌های اولیه برای تحلیل عامل را نشان می‌دهد. چنانچه آشکار است، مقدار ویژه سه عامل بیشتر از یک است، لذا این سه مورد بهترین عامل‌ها برای تحلیل عامل هستند و هر سه عامل بیشترین واریانس طیف مورد نظر را تبیین می‌کنند. سؤالات زیر برای معرفی Xها آمده است.

برخی مسایل جزیی و ناچیز در این شهر مرا عصبی می‌کند (X1). وقتی به وقایع گذشته نظر می‌کنم، بی‌اختیار رنجیده می‌شوم (X2). کارهای زیادی می‌کنم که بعداً احساس ندامت می‌کنم (X3). وقتی چیزهایی مانع تحقق یافتن برنامه‌ها و نقشه‌هایم می‌شوند، عصبانی می‌شوم (X4). از بی‌انصافی دیگران در این محله عصبانی می‌شوم (X5). تحمل شکست و ناکامی در این محله برای من خیلی مشکل است (X6). وقتی عصبانیت خود را از دیگران مخفی می‌کنم، مدت طولانی درباره آن فکر می‌کنم (X7). بعضی از دوستانم عاداتی دارند که مرا بسیار خشمگین می‌کند (X8). خودم را سرزنش می‌کنم (X9). از کارهای احمقانه دیگران عصبانی می‌شوم (X10). بار سنگینی روی دوشم احساس می‌کنم (X11). وقتی مورد انتقاد قرار می‌گیرم، شدیداً خشمگین می‌شوم (X12). از تأخیر و تعلل دیگران عصبانی می‌شوم (X13). وقتی حرفم به کرسی نمی‌نشیند خیلی دلگیر می‌شوم (X14). وقتی عصبانی می‌شوم کنترلی روی حرف‌هایم ندارم (X15). آنقدر خشمگین می‌شوم که رفتارهای غیر منطقی از من سر می‌زند (X16). وقتی خشمگین می‌شوم، به دیگران دشنام می‌دهم (X17). در مواضع فکری خود مقاوم و پایدار هستم (X18). وقتی از کوره به در می‌روم، توی گوش دیگران می‌زنم (X19). آنقدر عصبانی می‌شوم که چیزی را پرتاب می‌کنم (X20). افکار بدی در سر می‌پرورانم که مرا دچار احساس شرمندگی می‌کند (X21). دیگران مرا فردی خشن و پرخاشگر تلقی می‌کنند (X22). اگر در مغازه‌ای، فروشنده‌ای با من بدرفتاری بکند، جار و جنجال به راه می‌اندازم (X23). اگر فردی مطلبی احمقانه بگوید حقش را کف دستش

می‌گذارم (X24). اگر یک اتومبیل در حین عبور از کنارم احتیاط نکند، بر سر راننده آن فریاد می‌کشم (X25). با هر کسی که به من یا خانواده‌ام توهین کند درگیر می‌شوم (X26). اگر فردی به من صدمه بزند، من هم به او صدمه می‌زنم (X27). به ورزش‌های خشن علاقه دارم (X28). مردمی که آزارم می‌دهند، نشان برای کتک می‌خاردم (X29). وقتی دیگران با من مخالفت می‌کنند با آنها جر و بحث می‌کنم (X30).

جدول شماره ۳ آمارهای اولیه برای تحلیل عامل را نشان می‌دهد. چنانکه روشن است، مقدار ویژه سه عامل بیشتر از یک است، بنابراین این سه مورد بهترین عامل‌ها برای تحلیل عامل هستند و بیشترین واریانس طیف مورد نظر را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۳ آمارهای اولیه برای تحلیل عامل

گویه‌ها	ضریب اشتراک	عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس
X1	۱	۱	۶/۵۴	۱۵/۳۷
X2	۱	۲	۳/۰۱	۸/۲۲
X3	۱	۳	۱/۸۸	۴/۵۲

همانطور که از نتایج برمی‌آید سه عامل اصلی از تحلیل عامل بدست آمده که ارزش بیشتر از یک دارند و در مجموع حدود ۴۳/۵۲ درصد از واریانس نمرات مقیاس را تبیین می‌کنند. بدین ترتیب عامل اول با ارزش ویژه ۶/۵۴ بیشترین درصد واریانس (۱۵/۳۷)، عامل دوم با ارزش ویژه ۳/۰۱ درصد واریانس (۸/۲۲) و عامل سوم با ارزش ویژه ۱/۸۸ درصد واریانس (۴/۵۲) کل را تبیین می‌کنند. بعد از تعیین تعداد عامل‌ها، باید بدانیم عمدتاً چه گویه‌ای به چه عاملی اختصاص دارد. برای تشخیص این کار از "دوران عامل"^۱ استفاده می‌شود. جدول شماره ۴ نحوه توزیع گویه‌ها در بین عامل‌ها را نشان می‌دهد. قابل ذکر است که این عامل‌ها بر اساس پرسشنامه ۳۰ سؤالی پرخاشگری در سه عامل بحث شده‌اند.

جدول شماره ۴ ماتریس عامل دوران یافته برای میزان خشونت

گویه‌ها	عامل ۱ (خشتم)	عامل ۲ (تهاجم)	عامل ۳ (کینه توزی)
X1	۰/۴۷		
X2	۰/۶۶		
X3	۰/۷۲		
X4	۰/۷۱		
X5	۰/۷۸		
X6	۰/۷۶		
X7	۰/۴۹		
X8	۰/۴۷		
X9	۰/۸۷		
X10	۰/۶۹		
X11	۰/۸۳		
X12	۰/۷۲		
X13	۰/۸۱		
X14	۰/۵۸		
X15		۰/۶۴	
X16		۰/۷۴	
X17		۰/۸۶	
X18		۰/۷۳	
X19		۰/۶۸	
X20		۰/۹۱	
X21		۰/۸۵	
X22		۰/۷۷	
X23			۰/۷۶

۰/۶۸			X24
۰/۶۶			X25
۰/۸۲			X26
۰/۸۱			X27
۰/۶۷			X28
۰/۷۸			X29
۰/۵۹			X30

ماتریس همبستگی میان گویه‌های متغیر محرومیت نسبی نشان می‌دهد که گویه‌های این متغیر در دو بعد متمرکز شدند به طوریکه گویه‌های موجود در یک بعد با سایر گویه‌های موجود در آن بعد همبستگی معناداری داشته‌اند، ولی با گویه‌های موجود در ابعاد دیگر این متغیر همبستگی معناداری نداشته و این همبستگی ضعیف بوده است. آزمون KMO برابر ۰/۹۶ است. آزمون کرویت بارتلت با مقدار ۳۹۵۰۰/۰۴۵ در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان این معناداری را نشان می‌دهد. ضریب بدست آمده در آزمون کفایت نمونه برداری، مناسب بودن داده‌ها را برای انجام تحلیل عامل تأیید می‌کند. به عبارت دیگر مقدار این ضریب برای انجام تحلیل عاملی داده‌ها در سطح رضایت بخشی قابل قبول است. همچنین آزمون کفایت کرویت بارتلت در سطح کمتر از ۰/۰۰۰ معنادار است که نشان می‌دهد ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست.

نتایج حاصل از تحلیل عامل تأییدی نشان می‌دهد مقدار ویژه دو عامل بیشتر از یک است، بنابراین این دو مورد بهترین عامل‌ها برای تحلیل عاملی هستند. جدول شماره ۵ آمارهای اولیه برای تحلیل عاملی در متغیر محرومیت را نشان می‌دهد. چنانچه آشکار است، مقدار ویژه دو عامل بیشتر از یک است، بنابراین این دو مورد بهترین عامل‌ها برای تحلیل عامل هستند و بیشترین واریانس طیف مورد نظر را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۵ آمارهای اولیه برای تحلیل عامل متغیر میزان محرومیت نسبی

گویه‌ها	ضریب اشتراک	عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس
عامل اول	۱	۱	۸/۶۰۱	۱۲/۸۷
عامل دوم	۱	۲	۲/۹۲	۵/۷۶

دو عامل اصلی از تحلیل عامل بدست آمده (محرومیت فردی و محرومیت گروهی) که ارزش بیشتر از یک دارند و در مجموع حدود ۵۹/۵۲ درصد از واریانس نمرات مقیاس را تبیین می‌کنند. بدین ترتیب عامل اول با ارزش ویژه ۸/۶۰۱ بیشترین درصد واریانس (۱۲/۸۷) و عامل دوم با ارزش ویژه ۲/۹۲ درصد واریانس (۵/۷۶) کل را تبیین می‌کنند. جدول شماره ۶ نحوه توزیع گویه‌ها در بین عامل‌ها را نشان می‌دهد. قابل ذکر است که این عامل‌ها بر اساس پرسشنامه ۱۶ سؤالی محرومیت نسبی در دو عامل بحث شده‌اند.

جدول شماره ۶ ماتریس عامل دوران یافته برای میزان محرومیت نسبی

گویه‌ها	عامل ۱ (محرومیت فردی)	عامل ۲ (محرومیت جمعی)
انتظارات ما در این محله برطرف نمی‌شود		۰/۴۷
من و سایر مردم و گروه‌های اجتماعی در رسیدن به موقعیت مالی، شرایط برابری داریم	۰/۶۶	
فکر می‌کنم وضع مالی من و خانواده‌ام روز به روز بدتر می‌شود	۰/۷۲	
امکانات زندگی در این شهر به صورت ناعادلانه توزیع شده است.		۰/۷۱
وضعیت معیشتی من کفاف یک زندگی آبرومند را نمی‌دهد	۰/۷۸	

۰/۷۶		بین آنچه در جامعه هست و آنچه واقعا باید باشد، فاصله بسیار زیاد است
۰/۴۹		در این شرایط ما به آنچه دوست داریم، نمی‌رسیم
۰/۴۷		امکانات این شهر، برای آباد کردن محل زندگی ما به کار نمی‌رود
	۰/۸۷	من در مقایسه با همسن و سال‌هایم از نظر داشتن تفریحات خوب از آنها عقب ترم
	۰/۶۹	من در مقایسه با هم سن و سال‌هایم احساس می‌کنم از نظر داشتن امکانات زندگی عقب ترم
۰/۸۳		در این محله به نظافت و بهداشت شهروندان توجه نمی‌شود.
۰/۷۲		در این محله هیچ کسی مسئول موقعیت اجتماعی شهروندان نیست.
۰/۸۱		ما در این محله فرصت مشارکت در امور اجتماعی نداریم.
	۰/۵۸	من در زندگی فاقد امکانات اولیه زندگی مانند مسکن مناسب، خوراک مناسب و لباس مناسب هستم.
	۰/۶۴	دوست دارم تا حد امکان با کسی تماس و رابطه اجتماعی دوستانه نداشته باشم.
	۰/۷۴	احساس می‌کنم به اندازه دوستان و همکلاسی‌هایم که در محلات دیگر هستند، عزت و احترام ندارم.

نتایج و یافته‌های تحقیق

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۲۰۰ نفر ساکن در چهار منطقه شهر کرمانشاه (جعفرآباد، شاطرآباد، دولت آباد و آناهیتا) تکمیل گردیده و با

استفاده از بسته نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. از تعداد نمونه آماری، ۳۸ درصد از پاسخگویان در جعفرآباد، ۲۱ درصد در شاطرآباد، ۱۹ درصد آنها در آناهیتا و ۲۲ درصد نیز در دولت آباد سکونت دارند. شاخص دیگر وضعیت مسکن پاسخگویان است که در ۴ طبقه (خانه‌های شخصی، اجاره‌ای، سازمانی و سایر) قرار دارند. بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی ۵۴ درصد در منازل اجاره‌ای زندگی می‌کنند، ۸ درصد در منازل سازمانی، ۲۸ درصد در خانه‌های شخصی و ۱۰ درصد بقیه هم در سایر جامعه بودند.

جدول شماره ۷ نشان دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخگویان از متغیر میزان خشونت‌های شهری و هر یک از مراحل سه گانه آن را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره میزان خشونت‌های شهری برای افراد مورد مطالعه برابر ۱۱۰/۵۷ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۳۰ تا ۱۵۰) در حد بالایی است و بیانگر وجود تمایل به خشونت‌های شدید شهری است. شاخص اول در این متغیر میزان خشم است که میانگین آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۴۹/۴۵ است که این شاخص در دامنه نمره (۱۴ تا ۶۰) در حد بالایی است. شاخص دیگر بعد تهاجم می باشد میانگین نمره این متغیر برای افراد مورد مطالعه برابر ۳۲/۱۱ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۸ تا ۴۰) در حد بالا است. شاخص سوم کینه توزی است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۹/۳۵ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۸ تا ۴۰) در حد بالایی است و بیانگر وجود نوعی کینه توزی حاکم بر زندگی شهروندان در مناطق حاشیه ای کرمانشاه است.

همچنین جدول شماره ۷ نشان دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخگویان از متغیر میزان محرومیت نسبی و ابعاد آن را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره میزان محرومیت نسبی در بعد فردی برای افراد مورد مطالعه برابر ۳۶/۲۴ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۸ تا ۴۰) در حد بالایی است و بیانگر وجود میزان محرومیت

1. Statistical Package for Social Science (SPSS)

نسبی شدید در بعد فردی میان پاسخگویان است. شاخص دیگر بعد جمعی یا گروهی محرومیت نسبی می باشد میانگین نمره این متغیر برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۹/۱۷ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۸ تا ۴۰) در حد بالا است. نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای وضعیت موجود دو متغیر فوق و ابعاد آن‌ها را با حد متوسط جامعه را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که در مورد محرومیت نسبی و همچنین میزان خشونت‌های شهری در میان حاشیه نشین‌ها، وضعیت موجود (میانگین واقعی) بالاتر از حالت مطلوب یا همان میانگین مورد انتظار را نشان می‌دهد. براین اساس می‌توان گفت آزمون نتیجه نمونه را تأیید کرده و میانگین‌های نمونه بالاتر از معادل آن در جامعه می‌باشد. در این نتیجه حد بالا و حد پایین هر دو مثبت است و فرضیه مذکور بالاتر از سطح متوسط جامعه را برای نمونه نشان می‌دهد. با توجه به اینکه در این تحلیل واریانس‌ها در حد نسبتاً بالایی قرار دارند لذا بهتر است با احتیاط در مورد نتایج آن قضاوت کرد.

جدول ۷ توزیع نسبی شاخص‌های میزان خشونت‌های شهری و محرومیت نسبی در میان

پاسخگویان

متغیر	فراوانی	میانگین	میانگین مورد انتظار	انحراف معیار
رفتار پرخاشگری	۲۰۰	۱۱۰/۵۷	۹۰	۲۴/۳۲
رفتار پرخاشگری	بعد اول: خشم	۲۰۰	۴۹/۴۵	۸/۲۱
	بعد دوم: تهاجم	۲۰۰	۳۲/۱۱	۷/۳۳
	بعد سوم: کینه توزی	۲۰۰	۲۹/۳۵	۶/۱۵
		۱۰/۸۱t=		۰/۰۰۰Sig=
میزان محرومیت نسبی				
میزان محرومیت نسبی	۱۹۸	۶۷/۳۷	۴۸	۱۲/۳۶
میزان محرومیت نسبی	محرومیت فردی	۱۹۸	۳۶/۲۴	۸/۲۱
	محرومیت گروهی	۲۰۰	۲۹/۱۷	۷/۰۸
		۶/۴۷t=		۰/۰۰۰Sig=

جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب همبستگی استفاده شده است و جهت آزمون مقایسه میانگین‌ها از آزمون F (برای مقایسه بیش از دو میانگین) استفاده شده است. جدول شماره ۵ ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای مستقل در سطح سنجش فاصله‌ای نشان می‌دهد. آمارهای جدول نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین مؤلفه‌های متغیر محرومیت اجتماعی و میزان خشونت‌های شهری وجود دارد. این فرضیه‌ها حداقل در سطح ۹۵ درصد، معنادار بوده و تایید شده‌اند. نتایج حاصل از این آمارها در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۸ ضریب پیرسون بین ابعاد محرومیت نسبی و ابعاد خشونت‌های شهری

محرورمیت نسبی کل	محرورمیت نسبی گروهی	محرورمیت نسبی فردی	مؤلفه‌های میزان خشونت و محرومیت نسبی	
۰/۴۲	۰/۲۱	۰/۶۵	مقدار همبستگی	میزان خشم
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۰/۴۹	۰/۵۴	۰/۴۶	مقدار همبستگی	میزان تهاجم
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۰/۳۰	۰/۲۸	۰/۳۳	مقدار همبستگی	میزان کینه توزی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۰/۵۹	۰/۶۴	۰/۵۷	مقدار همبستگی	میزان خشونت شهری
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	

تفاوت میانگین‌ها در ابعاد مختلف خشونت‌های شهری

جدول ۹ آزمون مقایسه میانگین رتبه‌های ابعاد متغیر خشونت‌های شهری را نشان می‌دهد. برای این کار از آزمون ناپارامتری رتبه ای فریدمن، میانگین رتبه‌های خشونت‌های شهری محاسبه گردید. فرض H_0 بیان می‌کند که میانگین رتبه گروه‌ها با هم یکسان است. فرض H_1 بیان می‌کند که میانگین رتبه گروه‌ها با هم یکسان نیست. نتایج حاصل از آزمون فریدمن نشان می‌دهد که میانگین رتبه خشونت‌های شهری با هم یکسان نمی‌باشد و لذا فرض H_0 یا فرض یکسانی رتبه‌ها رد می‌شود. می‌توان شاخص‌های میانگین نمره‌های خشونت‌های شهری را به صورت ذیل رتبه بندی کرد:

رتبه اول: میانگین رتبه میزان خشم = میانگین رتبه ۴/۱۱

رتبه دوم: میانگین رتبه میزان تهاجم = میانگین رتبه ۴/۰۰

رتبه سوم: میانگین رتبه میزان کینه توزی = میانگین رتبه ۳/۲۵

با توجه به اینکه معناداری آزمون رتبه ای فریدمن از جمله آزمون‌های مبتنی بر کای اسکوئر است، لذا نتایج حاصل از آن براساس مقدار کای اسکوئر تفسیر می‌شود. مقدار کای دو در این آزمون برابر ۱۶۳/۷۴۶ و درجه آزادی آن برابر ۲ می‌باشد. این نتیجه در سطح حداقل ۹۵ درصد این معناداری را تایید می‌کند.

جدول شماره ۹ الویت بندی میانگین خشونت‌های شهری با استفاده از آزمون فریدمن

معناداری	Chi-square	میانگین رتبه‌ها	عوامل
۰/۰۰۰	۱۶۳/۷۴۶	۴/۱۱	خشم
		۴/۰۰	تهاجم
		۳/۲۵	کینه توزی

جدول ۱۰ آزمون تفاوت نمره میانگین خشونت‌های شهری بر حسب محل سکونت افراد نمونه را نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره

افرادی که در مناطق حاشیه‌ای شهر کرمانشاه (جعفرآباد، دولت آباد، شاطرآباد و آناهیتا) در این فرضیه با هم تفاوت معناداری ندارد. این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون F و سطح معناداری ($Sig=0/085$) در سطح حداقل $0/95$ معنادار نیست.

جدول ۱۰ آزمون تفاوت میانگین نمره میانگین خشونت‌های شهری بر حسب محل سکونت افراد

محل سکونت	میانگین	انحراف معیار	آزمون فیشر	سطح معناداری
جعفرآباد	۱۰۱/۱۵	۲۱/۴۲	۲/۰۱	۰/۰۸۵
دولت آباد	۱۰۴/۳۴	۲۷/۲۵		
شاطرآباد	۱۰۶/۶۱	۲۴/۵۶		
آناهیتا	۱۰۱/۲۳	۲۸/۷۳		

جدول ۱۱ آزمون تفاوت نمره میانگین خشونت‌های شهری بر حسب نوع منزل مسکونی افراد نمونه را نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره افرادی که در منازل مختلف شهر کرمانشاه (شخصی، اجاره‌ای، سازمانی و سایر) در این فرضیه با هم تفاوت معناداری دارند. این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون F و سطح معنی داری ($Sig=0/001$) در سطح حداقل $0/95$ معنی دار است.

جدول ۱۱ آزمون تفاوت میانگین نمره میانگین خشونت‌های شهری بر حسب نوع منزل مسکونی

محل سکونت	میانگین	انحراف معیار	آزمون فیشر	سطح معناداری
شخصی	۹۸/۲۷	۲۳/۳۱	۶/۴۹	۰/۰۰۱
اجاره‌ای	۱۰۷/۴۷	۲۱/۴۲		
سازمانی	۸۹/۵۲	۲۰/۵۱		
سایر	۱۰۴/۲۳	۲۲/۶۶		

آنچه که نسبت F به ما می‌گوید این است که آیا بین دو یا چند میانگین تفاوت معنی داری وجود دارد یا نه؟ اما این امکان را فراهم نمی‌کند تا بدانیم که این میانگین‌ها در چه ابعادی با هم تفاوت دارند. برای یافتن این مطلب، باید آزمون‌های آماری دیگری انجام دهیم. انتخاب این نوع از آزمون‌ها به این قضیه بستگی دارد که آیا پیش بینی کرده ایم تفاوت‌ها در کجا خواهند بود یا نه؟ در اینجا به تفاوت میانگین‌ها براساس معیار بونفرونی می‌پردازیم. جدول ۱۲ آزمون معنی داری بونفرونی برای تفاوت میانگین نمره خشونت‌های شهری برحسب ابعاد مختلف وضعیت منازل مسکونی را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان خشونت‌های شهری برای افرادی که در منازل اجاره‌ای ساکن هستند، بیشتر از سایر افراد می‌باشد. البته معناداری آزمون تحلیل واریانس ناشی از تفاوت تمامی میانگین‌ها با هم است. ولی در این میان بالاترین نرخ خشونت در میان افرادی وجود دارد که در حاشیه‌های شهر اجاره نشین هستند.

جدول ۱۲ آزمون تفاوت معنی داری بونفرونی برای مقایسه نمره افراد از ابعاد خشونت‌های شهری

آزمون بونفرونی		تفاوت میانگین		سطح معناداری				
آجره‌ای	۰/۰۰۰	۹/۲	شخصی	۰/۰۰۰	-۹/۲			
	۰/۰۰۰	۱۷/۹۵				اجاره‌ای	۰/۰۰۰	۸/۷۵
	۰/۰۱۷	۳/۲۴				سایر	۰/۰۰۰	-۵/۹۶
شخصی	۰/۰۰۰	۵/۹۶	شخصی	۰/۰۰۰	-۸/۷۵			
	۰/۰۱۷	-۳/۲۴				اجاره‌ای	۰/۰۰۰	-۱۷/۹۵
	۰/۰۰۰	۱۴/۷۱				سازمانی	۰/۰۰۰	-۱۴/۷۱

تحلیل رگرسیون چندمتغیره

در پژوهش حاضر از آماره رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در اینجا دو متغیر نوع منزل مسکونی و میزان محرومیت وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و روی هم رفته ۰/۴۱

از فضای مفهومی متغیر وابسته را تبیین نمودند. اولین متغیری که در معادله رگرسیونی وارد شده است، میزان محرومیت می باشد. نتایج حاصله نشان می دهد که بین این متغیر و میزان خشونت شهری همبستگی بالایی وجود دارد، به طوری که مقدار T برای این متغیر برابر (T= ۶/۳۸) و ضریب معنی داری (Sig.T=۰/۰۰۰) می باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2=۰/۲۹$ بدست آمده است. در مرحله دوم نوع منزل مسکونی وارد معادله شده است، مقدار T برای این متغیر برابر (۵/۱۴) و ضریب معنی داری (Sig.T=۰/۰۰۰) می باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۴۱. بدست آمده است.

جدول شماره ۱۳ عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش بینی خشونت‌های شهری

سطح معناداری	T	Beta	B	R ²	خشونت شهری متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۶/۳۸	۰/۵۲	۰/۷۲	۰/۲۹	میزان محرومیت نسبی
۰/۰۰۰	۵/۱۴	۰/۶۵	۲/۳۷	۰/۴۱	نوع منزل مسکونی
۰/۰۰۰	Sig=۱۷/۳۶		F=	Constant= ۸/۴۰۴	

بر اساس مقادیر Beta (زیرا این مقادیر استاندارد شده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می سازد) معادله رگرسیون چند متغیره در پژوهش حاضر به این صورت است:

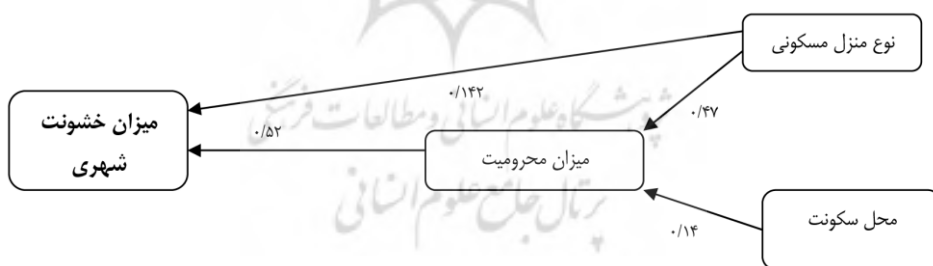
$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

خشونت شهری = ۰/۵۲ (میزان محرومیت نسبی) + ۰/۶۵ (نوع منزل مسکونی) + ei

مدل ساختاری رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

تحلیل مسیر روشی توانمند است که ما را در کشف و مطالعه روابط میان متغیرها جهت رسیدن به شناخت علی یاری می‌رساند. جهت رسیدن به این واقعیت که اثرات مستقیم و

غیرمستقیم متغیرها را مورد ارزیابی قرار دهیم از تحلیل مسیر استفاده به عمل آمد. همانطور که در مدل مسیر مشاهده می‌شود، میزان محرومیت نسبی برای افراد ساکن در حاشیه‌ها با ضریب مسیر $0/52$ با میزان خشونت شهری در رابطه می‌باشد و نشان می‌دهد که هر چه میزان محرومیت نسبی آنها بیشتر باشد، میزان خشونت در میان آنها هم بیشتر می‌شود. متغیری مانند نوع منزل مسکونی با ضریب مسیر $0/47$ از یک طرف تبیین‌کننده میزان محرومیت نسبی افراد و از طرف دیگر با ضریب مسیر $0/142$ تبیین‌کننده میزان خشونت شهری است. این متغیر به‌طور غیرمستقیم از طریق میزان محرومیت نسبی با میزان خشونت شهری در رابطه است که اثر کل آن بر میزان خشونت شهری برابر $0/066$ است و از ضرب ضریب مسیر میزان محرومیت نسبی و میزان خشونت شهری به‌دست می‌آید. از طرفی هم متغیر محل سکونت به‌طور غیرمستقیم با مقدار ضریب مسیر $0/14$ از طریق متغیر میزان محرومیت نسبی اثر غیرمستقیم را بر متغیر وابسته گذاشته است. جهت تعیین اثرات غیرمستقیم یا مسیر غیرمستقیم، ضرایبی که در امتداد آن مسیر قرار گرفته‌اند، در هم ضرب می‌شوند.



نمودار شماره ۲- تحلیل مسیر و روابط بین متغیرها در مدل آزمون شده مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

خشونت‌های شهری می‌توانند زمینه ساز اختلال و ناامنی در زندگی شهروندان شود. بر اساس نظرات صاحب نظران و تحلیل گران علوم اجتماعی و روان‌شناسی باید گفت که به وجود آمدن یک رفتار خشونت آمیز تابع علل و عوامل اجتماعی و روانی مختلفی است.

مهمترین عاملی که در این پژوهش بر آن تمرکز شد، محرومیت نسبی است. ماهیت نسبی خشونت در محیط‌های شهری حاصل تأثیرپذیری آن از شرایط مختلف تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و روانشناسی است و همین باعث شده است تا خشونت اجتماعی از حیث نظری و تجربی در قالب شاخص‌ها و معیارهای متفاوتی سنجش گردد. در مطالعه حاضر خشونت شهری در میان حاشیه‌نشینان با تمرکز بر کرمانشاه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در سه مؤلفه خشم، تهاجم و کینه توزی سنجش گردید. یکی از این عواملی که با خشونت‌ها در محیط‌های حاشیه‌شهری ارتباط تنگاتنگ دارد، محرومیت نسبی شهروندان حاشیه‌نشین است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد میان محرومیت اجتماعی با دو مؤلفه اساسی آن با خشونت‌های شهری در سه بعد (خشم، کینه توزی و تهاجم) ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که محرومیت فردی با خشونت‌های شهری در بعد خشم ($r=0/65$)، در بعد تهاجم ($r=0/46$) و در بعد کینه توزی برابر ($r=0/33$) می‌باشد. از طرفی محرومیت نسبی با خشونت‌های شهری در بعد خشم ($r=0/21$)، در بعد تهاجم ($r=0/54$) و در بعد کینه توزی برابر ($r=0/28$) دارای رابطه معناداری است.

نتایج حاصل از آزمون مدل در رگرسیون نشان می‌دهد که دو متغیر نوع منزل مسکونی و میزان محرومیت وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و روی هم رفته $0/41$ از فضای مفهومی متغیر وابسته را تبیین نمودند. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان می‌دهد میزان محرومیت برای افراد ساکن در حاشیه‌ها با ضریب مسیر $0/52$ با میزان خشونت شهری در رابطه است و نشان می‌دهد که هر چه میزان محرومیت آنها بیشتر باشد، میزان خشونت در میان آنها هم بیشتر می‌شود. متغیری مانند نوع منزل مسکونی با ضریب مسیر $0/47$ از یک طرف تبیین‌کننده میزان محرومیت افراد و از طرف دیگر با ضریب مسیر $0/142$ تبیین‌کننده میزان خشونت شهری است.

این نتایج براساس با پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۸۸) که معتقد بود حاشیه‌نشینان به خاطر عدم دسترسی به امکانات آموزشی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی، عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب، نداشتن زمین و کاهش منابع مالی درگیر آسیب‌های اجتماعی

می‌شوند و همچنین با پژوهش لیا و همکاران (۲۰۰۶) که افراد با مصرف الکل سعی در جلب توجه همسالان خود را دارند و مصرف الکل و بزهکاری رابطه مثبتی با خطرپذیری و رفتارهای خطرآفرین افراد دارند و تهاجم و پرخاشگری تهاجمی را به دنبال دارد، همسو است.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که هر اندازه افراد در مناطق حاشیه نشین از محرومیت بیشتری برخوردار باشند، میزان جرائم خشن و خشونت‌های شهری نیز در آن جا افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه این مناطق جاهایی هستند که در آنها طبقه کارگر می‌تواند خانه‌هایی با قیمت مناسب پیدا کند. این ساکنان غیررسمی به به شدت برای خانه‌های اجاره ای قیمت پایین، متقاضی هستند و یا اینکه کنترل کیفیت خانه داری در این مناطق ناچیز و جزئی است، یک مسأله معمول است.

با توجه به اینکه یک چهارم جمعیت شهری کرمانشاه در محله‌های حاشیه‌ای، در شرایط دشواری زندگی می‌کنند و مشابه این مناطق در خیلی از شهرهای ایران (مشابه ده پیاله شیراز، شیرآباد در زاهدان یا خاک سفید تهران و ...)، با خانه‌های سطح پایین و کمبود امکانات فیزیکی توصیف می‌شود. به دلیل دستیابی کم برای تصفیه آب آشامیدنی و بهداشتی، ساکنان همیشه با ترس بیماری روبرو هستند. در خیلی از محله‌های کثیف، خانه‌ها از ورقه‌های پلاستیکی و گل ساخته می‌شوند. خیابانها و کوچه‌ها، اغلب بیشتر از ۷ پا عرض ندارند و فاضلاب‌های رو باز هستند. علی‌رغم این شرایط، جمعیت این محله‌های هر ده سال، دو برابر می‌شود. براین اساس این افراد از امکانات اولیه و ضروری زندگی مانند آب آشامیدنی بهداشتی، منزل مسکونی و مناسب محروم می‌باشند براساس نظریه گار برای تغییر وضعیت موجود دست به هر اقدامی در محیط زندگی خود می‌زنند. که در اینجا می‌توان به عربده کشی، چاقوکشی، خرید و فروش مواد مخدر، باج گیری و ... می‌پردازند.

یکی از عواملی که می‌تواند در خشونت مردم در حاشیه‌های شهری اثرگذار باشد، نوع منزل مسکونی افراد است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که افراد ساکن در منازل اجاره ای دارای بیشترین جرائم و خشونت‌های شهری در حاشیه‌های شهر هستند. دلایلی می‌تواند در راستای این نتایج وجود داشته باشد، از جمله اینکه گفت که قوانین و مقررات

و نظم و نظارت شدید بر زندگی این افراد حاکم نیست و طیف زیادی از این افراد برای مدت کوتاهی در این منازل به سر می‌برند. لذا این افراد تقیدی به رعایت نظم و مقررات از خود نشان نمی‌دهند و این موضوع خود به یک مشکل مهم برای ساکنین و همسایه‌ها تبدیل می‌شود که گهگاه به نزاع و درگیری بین افراد منجر می‌شود که در نهایت رابطه ساکنین در محله را به هم ریخته و سبب دشمنی و عداوت و کینه جویی در بین آنها می‌شود که این عامل خود زمینه ساز خیل عظیمی از درگیری‌ها و خشونت‌های شهری را سبب می‌شود.

تا زمانی که اختلاف سطح زندگی در مناطق شهری و روستایی یا مرکزی و پیرامونی زیاد باشد، باید انتظار داشته باشیم که کلان شهرهای ما حاشیه‌نشینی داشته باشند. برای کمک به حل این مشکل، آن‌چه که در دنیا به عنوان "توانمندسازی حاشیه‌نشینان" مطرح شده، در واقع فهرستی طولانی از پیشنهادهایی است که باید جدی گرفته شوند و مهم‌ترین آنها بحث به رسمیت شناختن این افراد و تقویت مشارکت آنهاست. کوفی عنان در گزارش سال ۲۰۰۳ حقوق بشر، زاغه‌ها و حاشیه‌ها بیان‌گر بدترین نوع فقر و نابرابری شهری می‌داند و ابراز امیدواری می‌کند که آن گزارش و راه حل‌های موجود در آن، راهی برای فائق آمدن بر بی‌تفاوتی‌ها در برابر نقصان‌های اجتماعی بوده و این قبیل آگاهی‌ها، ما را به سوی تلاشی مشترک برای کمک به حاشیه‌نشینان سراسر جهان جهت رسیدن به زندگی شرافتمندانه و صلح‌جویانه سوق دهد.

با توجه به اینکه طرح‌های سکونت برای این مناطق دوباره باعث انتقال ساکنان غیرقانونی می‌شود و برای آنها پنج تا شش آپارتمان ساخته می‌شود. این مسأله باعث می‌شود که هم سرمایه و هم گسترش جامعه به صورت نامناسبی اجرا شود. ساکنان وانستند این سکونت‌ها را قبول کنند و آپارتمان‌هایشان را دوباره می‌فروختند و به محله‌های زاغه نشینی برمی‌گشتند. چنین راهکارهایی برای کمک به کسانی که نیاز به خانه‌های بیشتری دارند با شکست مواجه شوند.

شاید جدیدترین روشی که در این حاشیه‌ها کاربرد داشته باشد، ایجاد یک جامعه برنامه‌ریزی شده باشد. با این روش، بخش‌های شهر کوچک پیشرفت می‌کند به جای اینکه آنها

را جابه جا کنند به این ترتیب زندگی در این شرایط، مناسب شده است. کار کردن در این مناطق بهتر شده و خدمات پیشرفت کردند. ساخت فاضلاب‌های زیرزمینی در این مناطق هم یکی از راهکارهای مناسب است، چونکه احتمالاً این فاضلاب‌ها، مهمترین چیزی است که ساکنان این منطقه نیاز دارند. سیاست دیگر دولت این است که به ساکنان غیر قانونی این مناطق اجازه می‌دهد که جایی را که در آن زندگی می‌کنند، بخرند. این سیاست در بهبودی محل‌های سکونت باعث چرخش اقتصاد نیز می‌شود. در نهایت، این پیشرفت‌ها، خدماتی را فراهم می‌کند که در مناطق حاشیه ای، ساکنان قادر به ادامه کارشان در اقتصاد رسمی باشند. خلاصه اینکه، سیاست‌هایی که باعث توسعه مناطق شهری حاشیه ای می‌شود باید جایگزین سیاست‌هایی شوند که در صدد تخریب این مناطق بودند.

- نظارت اجتماعی (کنترل‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی) از جمله راه حل‌های دیگر مقابله با پرخاشگری در برخی کشورها، استفاده از نیروی نظارت اجتماعی (کنترل‌های اجتماعی رسمی مانند ابزارهای قانونی و پلیس و کنترل‌های غیر رسمی مانند ابزارهای اخلاقی، ارزشی و فرهنگی) می‌باشد.

منابع

- ۱ - احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). جامعه شناسی انحرافات. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- ۲ - بیات، بهرام. (۱۳۸۴). بررسی پدیده حاشیه نشینی در استان تهران. فصلنامه تخصصی - کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی. شماره اول.
- ۳ - بیانلو، یوسف. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و شرایط بوم‌شناختی با نوع جرم و نرخ جرم در شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز: دانشکده علوم اجتماعی.
- ۴ - دلپورتا، دوناتلا و دیانی ماریو. (۱۳۸۳) مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.
- ۵ - رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد، تهران، انتشارات علمی.

- ۶ - ربانی، رسول، فروغ السادات عریضی، حمیدرضا وارثی و محمد رضا حسینی (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، مجله جامعه‌شناسی کاربردی.
- ۷ - زاهد زاهدانی، سعید. (۱۳۸۰). حاشیه‌نشینی. چاپ دوم. شیراز: نشر دانشگاه.
- ۸ - شهابی، محمود. (۱۳۸۰). خرده فرهنگ ویژه جوانان در ایران، قرائت‌ها و پیامدها. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۴ سال ۱۳۸۰، صص ۱۰۰-۸۷.
- ۹ - عبدالخالقی و دیگران. (۱۳۸۴)، بررسی ارتباط بازیابی ویدئویی - رایانه‌ای با پرخاشگری در دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی تهران سال ۱۳۸۲، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳، صفحه ۱۴۵-۱۴۱.
- ۱۰ - کورنبلوم، ویلیام و جوزف جولیان (۱۳۸۰). مسأله اجتماعی. ترجمه علی موسی نژاد. فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ ایلام، شماره هفتم و هشتم.
- ۱۱ - کرامتی، مهدی. (۱۳۸۴). بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان شهرستانهای استان تهران، فصلنامه تخصصی - کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی. شماره اول.
- ۱۲ - گار، تدرابرت. (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۳ - محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۴). بررسی وندالیسم در تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۴ - مرادی، گلمراد و مجتبی بخشنده (۱۳۹۰). بررسی نقش محرومیت اجتماعی در ایجاد رفتارهای پرخاشگرانه میان جوانان شهر شیراز. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال اول، شماره اول، صص ۳۱-۴۲.
- ۱۵ - ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهر. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۶ - نقدی، اسدالله. (۱۳۸۸). بینش جامعه‌شناختی و سکونت‌های غیر رسمی شهرها، نشست علمی - تخصصی جامعه‌شناسی شهر، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۲ بهمن ۱۳۸۸.

۱۷- هولندر، ادوین پل. (۱۳۷۸). روان‌شناسی اجتماعی: رهبری و قدرت تأثیر ارتباط جمعی بر افکار عمومی و فعالیت سیاسی، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، نشر شرکت به‌نشر.

- 18- Bennetta, S & D.P. Farringtona & L.R Huesmannb & A.Calvó. (2005). "Explaining gender differences in crime and violence: The importance of social cognitive skills." *Aggression and Violent Behavior*. Vol. 10, Issue. 3, pp. 263-288.
- 19- Carlsmith JM. Anderson CA (1979); Ambient temperature and the occurrence of collective violence: a new reanalysis. *Journal of personality & social psychology*, 37 (3): 237- 44.
- 20- Gottdiener, M. and Leslie B. (2005), *Urban Studies, Key Concepts in Urban Studies*, SAGE Publications India Pvt Ltd.pp. 179-187.
- 21- Hirschi, Travis (1979). "Separate but unequal is Better." *journal of Research in Crime and Delinquency*.No.16, pp. 34-38.
- 22- Leea. J. M, & N. J. Bell, & W. Watson. (2006). "Situating alcohol use and delinquency within developmental and societal context: The case of Korean youth." *Journal of Adolescence*, In Press, corrected proof, available.
- 23- Michael RP. Zunpe D (1983) Sexual violence in the united states and the role of season American, *Journal of psychiatry*. 140 (7). 883 – 6.
- 24- Sadock BJ-Sadock VA (2003); synopsis of psychiatry. Behavioral sciences/ clinical psychiatry, ninth edition, *lippincott Williams & wilkins*, 150- 58.
- 25- Schwirian, O. K. & Schwirian, M. P.(1993). "Neighboring, residential satisfaction and psychological wel-being Inurban elders." *Journal of Community Psychology*, Vol. 21, pp .285-299.
- 26- Tawanchai, Jirapramukpitak, Martin J. Prince, Trudy Harpham,(2005). "Rural to urban migration, childhood abuse and risk for mental health problems. A cross sectional population-based survey in Pathumthani, Thailand", France, *International Population Conference Tours*.
- 27- Vold, G. B. Bernard Thomas J. & Snipes J.B.(2001). *Theoretical criminology*, New York: oxford university press.